

# میدان

ویژه نامه ی دوازدهمین  
المپیاد ورزشی دانشجویان پسر  
دانشگاه های علوم پزشکی کشور

شماره ۵ / چهارشنبه ۲۷ مردادماه ۱۳۹۵ / ۱۷ آگوست ۲۰۱۶ / ۱۴ ذی القعدة ۱۴۳۷ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / دانشگاه علوم پزشکی اصفهان



صفحه ۲

نقص دانشگاهها  
در ورزش ساختاری است



صفحه ۴

قصه ی خوش رنگ ترین ها (۳)



صفحه ۵

گزارش تصویری رقابت ها



صفحه ۶

ائتلاف برای اعتراض به المپیک

## روز پنجم:

### به پیروزی از رزم گردیم باز



## نتایج مسابقات

## سه شنبه

## ۲۶ مرداد

فوتبال	نتیجه
اصفهان-اهواز	۱-۲
مازندران-شیراز	۲-۱
بسکتبال	نتیجه
تبریز-شهیدبهشتی	۶۲-۴۴
مشهد-کرمانشاه	۶۰-۴۶
والیبال (نیمه‌نهایی)	نتیجه
اصفهان-تبریز	۰-۲
مشهد-ایران	۰-۲
والیبال (رده‌بندی ۵ تا ۸م)	نتیجه
شهیدبهشتی-شیراز	۲-۱
پوشهر-تهران	۲-۰

## برنامه مسابقات

## چهارشنبه ۲۷ مرداد

فوتبال	ساعت
اهواز-مازندران (رده‌بندی)	۱۵
اصفهان-شیراز (فینال)	۱۷
والیبال	ساعت
پوشهر-شهید بهشتی (رده‌بندی هفتم و هشتم)	۱۰
تهران-شیراز (رده‌بندی پنجم و ششم)	۱۱
تبریز-ایران (رده‌بندی سوم و چهارم)	۱۶
اصفهان-مشهد (فینال)	۱۷
بسکتبال	ساعت
تبریز-مشهد (رده‌بندی)	۱۵
شهید بهشتی-کرمانشاه (فینال)	۱۶:۳۰

## سردبیر

## نقص دانشگاه‌ها در ورزش ساختاری است

گفت‌وگو با  
بازیکن حرفه‌ای سوپر لیگ  
بسکتبال در تیم دانشگاه زنجان

محمد رضا شجاعیان دانشجوی رشته‌ی دندان پزشکی است و در تیم بسکتبال دانشگاه زنجان بازی می‌کند. او بازیکن سابق سوپر لیگ کشورمان است و با وجود اینکه در این المپیاد تیم زنجان از تیم کرمانشاه باخت، همه متوجه سطح بالای بازی او و تاثیر بازی او در رسیدن تیم زنجان به مرحله‌ی حذفی شده‌اند. بعد از مسابقه با او مصاحبه‌ای انجام دادیم.

شما قبلاً به صورت حرفه‌ای در سوپر لیگ بسکتبال بازی می‌کردید، قبل از دانشگاه در چه تیم‌هایی بازی کردید؟

من اصالتاً شیرازی هستم و طبیعتاً بسکتبال را از شیراز شروع کردم. با امید به خدا و کمک مربی‌ها بسکتبال حرفه‌ای را از آس-آس شیراز در رده‌ی جوانان شروع کردم و با این تیم در بازی‌های لیگ قرارداد بستم. فصل بعد پوشهر بودم، در اهواز برای تیم فولاد خوزستان بازی کردم و پتروشیمی بندر امام. یک فصل هم قرار بود به دانشگاه آزاد تهران بیایم که متاسفانه نشد.

در مورد بازی‌های المپیاد چی فکر می‌کردید، چی شد؟! در واقع چه توقعی از تیم‌تان داشتید؟

بازی‌ها و بازیکنان نسبت به سطحی که من بازی کرده بودم و بازیکنانی که در لیگ دیده بودم، سطح بالایی ندارند. متاسفانه در تیم ما بچه‌ها دیر شروع به تمرین کرده بودند و تقریباً همه تازه بسکتبال را شروع کرده بودند و متاسفانه نتوانستیم تا سطح مورد نظرمون بالا برویم.

به نظر شما با توجه به امکاناتی که توسط دانشگاه‌ها در اختیار بچه‌ها قرار می‌گیرد، توقع دانشگاه‌ها از تیم‌ها منطقی هست؟

این سوال خیلی خوبی است. (می‌خندد) ما از روز اولی که آمدیم این جا با توجه به تلاش بی‌حد و مرز بچه‌ها در دور مقدماتی و اینکه آن جا دوم شدیم و به این مسابقات راه پیدا کردیم و در طرف مقابل امکاناتی

که دانشگاه در اختیار تیم گذاشت، توقع برد نداشتیم. من شخصاً حتی این حق را به دانشگاه نمی‌دهم که توقع داشته باشد این تیم از گروه خود بالا بیاید. ولی به خاطر تلاش بچه‌ها و محیط دوستانه‌ای که در تیم وجود داشت، تا اینجا بالا آمدیم. ولی خیلی از دانشگاه‌ها واقعا زحمت کشیدند، برای مثال دانشگاه شهید بهشتی امسال خیلی خوب ظاهر شده بود، حتی نسبت به امکانات لیگ هم امکانات بیشتر دانشگاه‌ها خوب بود.

ارتباط مسابقات دانشگاهی مثل این المپیاد و مسابقات حرفه‌ای لیگ را چگونه می‌بینید؟ به نظر شما در کشور ما ارتباط درستی بین تیم‌های لیگ و دانشگاه‌ها وجود دارد؟

بسکتبال در اصل یک رشته‌ی دانشگاهی است، ولی متاسفانه در کشور ما دانشگاه تبدیل به وسیله‌ای برای بسکتبال بازی کردن شده است. از طرف دیگر کسی که خواهد به صورت حرفه‌ای بسکتبال بازی کند، در کشور ما باید از همه چیز بگذرد، دانشگاه و تحصیلات را هم کنار بگذارد و درس تنها تبدیل به وسیله‌ای برای به تاخیر انداختن خدمت سربازی می‌شود. ورود ورزشکاران حرفه‌ای به دانشگاه‌های دولتی بسیار سخت است، چون این ورزشکاران باید تمام وقت خود را به ورزش اختصاص دهند. اکثر ورزشکاران به

دانشگاه‌های آزاد و بدون کنکور می‌روند. حتی بعضی از دانشگاه‌های آزاد برای اینکه بتوانند در مسابقات و المپیادها موفق شوند، ورزشکاران سوپر لیگی و حتی کسانی که در آن بی‌ای بازی می‌کنند را جذب می‌کنند و فقط اسمشان در دانشگاه هست. بعضی از دانشگاه‌های آزاد تنها برای خروج قانونی ورزشکاران از کشور و معافیت تحصیلی، با لیگ به توافق‌هایی می‌رسند و ورزشکاران را می‌پذیرند. در مقایسه با دیگر کشورها این سیستم نقص‌های زیادی دارد. برای مثال در آمریکا تنها راه ورود به لیگ حرفه‌ای دانشگاه است و تیم‌های آن بی‌ای بین ورزشکاران دانشگاه‌ها رقابت‌های انتخابی برگزار می‌کند.

در مورد برگزاری مسابقات و دوری‌ها چه نظری دارید؟

دورهای خوبی در این مسابقات هستند، واقعا دست فدراسیون هم درد نکند. ولی بعضی از دورها مهارت مورد نظر را ندارند و بعضی از بازی‌ها را خراب می‌کنند، اکثر مربی‌ها هم از این وضعیت ناراحت هستند. دوری در کشور ما همیشه همین‌جور بوده است، در کنار بعضی از داوران که خیلی خوب و در سطح بین‌المللی دوری می‌کنند، داوران دیگری هم هستند که حتی مسابقات دانشگاهی را هم نمی‌توانند درست سوت بزنند، چه برسد به لیگ‌ها.

## سوتی می‌دهم، پس هستم!

## اختراع ورزش‌های جدید توسط هیات تحریریه نشریه میدان

عموماً در روزنامه‌ها و رسانه‌ها سعی می‌کنیم به همه گیر بدهیم. دنبال نقاط ضعف می‌گردیم و حتا برجسته‌اش می‌کنیم! خلاصه دنبال سوژه کردن آدم‌ها هستیم و کارهای بی‌رحمانه‌ای از این قبیل. حالا می‌خواهم شمشیر را روی خودمان بکشم. روی همین «میدان» که جلوی چشمان شماست.

ماجرای این قرار است: ما هر شب در نشریه «میدان» مرتکب سوتی شده‌ایم! مثلاً یک شب که خیلی دقت کردیم، یک سوتی بیشتر نداشتیم! در شماره‌ی گذشته بزرگ‌ترین سوتی‌مان را دادیم و عنوان مسابقات را زیرعکس‌ها اشتباه زدیم! یعنی بدمیتون جای کاراته خورده و تکواندو جای بسکتبال! یا چند شب پیش وقتی منتظر نتایج بسکتبال بودیم و بلاخره به دستمان نرسید، جدول بسکتبال را که از قبل گذاشته بودیم پاک نکردیم و بنابراین خالی ماند! اشتباهات تاییبی که تا دلتان خواهد...!

این چیزها برای ما اصحاب روزنامه طبیعی است، اشتباهات مخصوصاً وقتی کار روزانه و فشرده‌ای انجام می‌شود، اجتناب‌ناپذیر است. یک تیم جوان

و دانشجویی داریم و کارها عجله‌ای انجام می‌شود. ما هم مثل همه غلط داریم، می‌توانیم غلط‌های همدیگر را بگیریم و ناراحت هم نشویم و دوست باشیم با همدیگر! حالا مدیران، آقای فزوه ما را در مطلبش سوژه‌ی خودش کرده:

برای همین بار (و این بار در المپیاد) ثابت شد که مشکل افت تحصیلی و ضعف حافظه، فقط و فقط سوء تغذیه است و بس. همین هیئت تحریریه‌ی نشریه‌ی وزین «میدان» با تغذیه‌ی ورزشکاران در صبحانه و نهار و شام چنان سر ذوق آمده‌اند و استعدادها شکوفا شده که چندین ورزش جدید اختراع کرده‌اند.

شنیده شده که مسئولین المپیک ضمن تثبیت این ورزش‌ها در المپیک ۲۰۲۰ روسیه، غبطه می‌خورند که اگر المپیاد ورزشی پسران علوم پزشکی در اصفهان زودتر برگزار شده بود و نشریه «میدان» کمی زودتر این ورزش‌های جدید را مطرح کرده بود، حتماً در المپیک ریو از آن استفاده می‌کردیم. و اما مسابقات جدید اختراع شده بدین شرح است:

در این وانفسای کمبود آب بهتر است مسابقات شنا



دوبنده در زمین تارتان بدویم و برای هم لنگ بگیریم. -حالا دیگر زمان مفاهمه و گفتگوست، چرا اصلاً به جای شمشیر سامورایی، از راکت سبک و کم خطر بدمیتون در کاراته استفاده نکنیم!؟

روی چمن انجام شود. -اصلاً چرا به همدیگر لگد بزنیم؟ نباید همه با هم توپ را بزنیم! -انصافاً پرش سه گام با نیزه بیشتر حال نمی‌دهد؟! -برای آنکه اسلام و مسلمین در خطر نباشد، به جای



# سخنی با مربیان ورزشی



مهم‌ترین نقش در میدان بازی، بعد از ورزشکار متعلق به مربیان است. آنها می‌توانند با دادن راهکار و توصیه‌های درست، ورزشکاران را برای رقابت آماده کنند. بدین منظور، رعایت این نکات از جانب مربیان، می‌تواند ورزشکار را در این امر مهم یاری کند:

۱. کاهش احساس فشار یا استرس توسط فعالیت جسمانی؛ برای مثال قدم‌زدن تا وقتی که ورزشکار آرامش یابد.

۲. از دادن فرمان «راحت باش» پرهیز کنید. این کار، در واقع تنش را افزایش می‌دهد و ورزشکار فکر می‌کند که مربی در او علائم فشار دیده است.

۳. تمرین را شبیه به بازی‌های واقعی کنید. اضطراب ورزشکار در صورتی کاهش می‌یابد که مهارت‌های مسابقه، در جلسه‌های تمرین تکرار شوند. زمان مسابقه برای آموزش مهارت تازه، مناسب نیست.

۴. راهبردهای ذهنی را فردی کنید.

۵. اشتباهات را با سعه صدر بنگرید. اشتباهات بدنی بخش جدایی‌ناپذیر ارگانیسم انسانی است.

۶. از بحث کردن درباره نتایج خودداری کنید. بررسی نتایج باخت یا فشار برای حفظ نتایج برد، غیرسازنده است. بر عملکرد تمرکز کنیم نه بر نتیجه و بگذارید که بردن، خود راه خود را بیابد.

۷. به ورزشکار آسیب دیده واکنش نشان دهید. مربی حمایت‌گر با اظهار همدردی به بازیکن آرامش می‌دهد. مربی خشمگینی که کوتاهی را به گردن بازیکن می‌اندازد، موجب اضطراب و رنجش او می‌شود.

## راههای برانگیختگی قبل از مسابقه:

ورزشکاران اگر نیمه حال یا بی‌علاقه به رقابت باشند چندان کاری از پیش نمی‌برند. مربی باید روحیه ورزشکار را بالا برد تا از تلاش و تمرکز بازیکن مطمئن شود. رهنمودهای زیر می‌توانند مؤثر باشند: باید سطح مهارت، سن، نیازهای روانی، موقعیت بازی و تکلیف مربوط به بازیکن را در نظر بگیرید.

عامل مهم افزایش انگیزه، تنظیم وقت است؛ به عنوان مثال درست نیست که بازیکنان را شب قبل از مسابقه به هیجان بیاورید.

رویکرد دیگر کمک بصری است. فیلم‌های بهترین بازیهای قبلی ورزشکاران را نمایش دهید. فنون معینی را برای افزایش سطح برانگیختگی فیزیولوژیکی ورزشکار بکار ببرید. برای نمونه کارهایی از قبیل: ۱. افزایش شدت صدا؛ ۲. استفاده از چراغ‌های نورانی در سالن؛ ۳. تولید صداهای بلند؛ ۴. استفاده از علائم غیرکلامی؛ ۵. تماس جسمانی با بازیکن مثل گرفتن بازوی او؛ ۶. استفاده از نام کوچک بازیکن؛

**رهیافت‌های مربیگری برای فاصله‌ی بین نیمه‌ی بازی‌ها و بین بازی‌ها:**

۱. فقط یکی دو نکته اصلی را خاطر نشان کنید ۲.

به شیوه دیداری، رابطه برقرار کنید ۳. نکته‌های مهم را در پایان جلسه خلاصه کنید. ۴. اظهار نظرهای مثبتی درباره عملکرد قبلی آنها و راهکارهایی برای عملکرد بعدی آن‌ها بیان کنید ۵. نوشیدنی برای رفع خستگی و تمدید نیرو نه فقط بین بازیها بلکه در طول مسابقه ضروری است. ۶. بازیکن باید پس از بازی نیمه‌ی اول ساکت و آرام بماند و از لحاظ ذهنی و روانی آماده بازی شود.

**رهیافت‌های نادرست مربیگری که اضطراب و برانگیختگی را افزایش می‌دهند:**

۱. آموزش قبل و در طول مسابقه.

۲. این ادعا که ما باید این بازی را ببریم.

۳. استفاده از انتقاد به عنوان محرک.

۴. گفتن «تکن». به بازیکن نگویید چه نکند.

۵. القای احساس گناه.

۶. مقصردانستن داور.

۸. یادآوری به بازیکنان که چه کسی دارد بازی را تماشا می‌کند.

**چگونه مربی می‌تواند بر ورزشکار تأثیرات مثبت ذهنی بگذارد:**

تشویق کردن؛ ارائه آمار و اطلاعات دقیق؛ دادن مسئولیت به ورزشکار؛ ایجاد احساس پذیرش در بازیکنان بویژه در بازیکنان ذخیره؛ ایجاد روابط متقابل بین بازیکنان؛ صدادن با اسم بازیکنان و استقبال از آنها؛ تأکید بر نقاط مثبت افراد؛ صحبت‌های خصوصی و تشویق فردی؛ پرسش در مورد خود و خانواده و مشکلات شخصی و اهمیت دادن به آنها؛ آموزش به تشویق و قدردانی از آنها.

مهدی نکویی مهر

دانش‌آموخته کارشناسی تغذیه دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

#بشقاب من #مکمل #رژیم غذایی #باور غلط

#ترم افزار #ورزشی #مسابقه



## بشقاب و شایعات

این بار ترک عادت موجب صحت است!

۴) استفاده از رژیم‌های با انرژی و کالری کم و حذف برخی وعده‌ها برای کاهش وزن؛

باعث ضعف عصبی و کاهش تمرکز و کاهش قدرت عضلانی می‌شود و برای کاهش وزن توصیه بر رژیم‌های اصولی می‌باشد.

۵) استفاده از داروهای مدر و مسهل که برای کاهش وزن استفاده می‌شوند؛

این دسته از داروها منجر به دهیدراتاسیون (کاهش آب بدن) می‌شوند و باعث کاهش عملکرد ورزشکاران شده و با علائمی از قبیل سستی بدن، سرگیجه و کاهش قدرت عضلانی مشخص می‌شوند. علاوه بر این یقیناً استفاده از مسهل‌ها موجب کاهش جذب مواد مغذی ضروری بدن به علت گذر سریع مواد غذایی از روده خواهد شد.

افزایش مصرف برخی ویتامین‌ها به طور خودسرانه باعث مسمومیت و انواع مشکلات در ارگان‌های بدن شده و باید زیر نظر کارشناسان و متخصصین تغذیه مصرف شوند. حتی ویتامین‌های محلول در آب مانند اسیداسکوربیک یا همان ویتامین C که به مصرف زیاد و بدون عارضه آن‌ها اشاره می‌شود در مقادیر زیاد قطعاً می‌توانند مسمومیت‌هایی با اثرات کوتاه یا طولانی مدت ایجاد نمایند.

۳) مصرف بیش از اندازه یک آمینواسید با استفاده از مکمل‌ها؛

بدن برای ساخت و یا بازسازی پروتئین‌ها و عضلات نیاز به انواع آمینواسیدها دارد. بنابراین میزان ورودی به بدن باید متناسب با میزان سوخت و ساز و استفاده به عنوان پیش‌ماده باشد و نه بیشتر از آن.

از آنجایی که این روزها منابع موثق و غیرموثق بسیاری برای به اشتراک گذاشتن و نشر باورهای مربوط به غذا و تغذیه از روغن پالم تا متون پرفرمداری از جمله تغذیه ورزشکاران وجود دارد به راحتی می‌توان کتابی قطور با عنوان باورهای غلط تغذیه‌ای نگاشت که یکی از پرچم‌ترین فصول آن باورهای غلط در تغذیه ورزشی خواهد بود. در این متن کوتاه به چند باور به ظاهر ساده اما اشتباه در این حوزه اشاره خواهیم کرد:

۱) حذف انواع چربی‌ها از رژیم غذایی؛

مشکل اصلی آن کاهش ویتامین‌های محلول در چربی و متعاقباً کاهش میل جنسی و کاهش قدرت باروری می‌باشد.

۲) مصرف خودسرانه انواع ویتامین‌ها؛

Yahoo Fantasy Sports



YAHOO!

مسابقات ورزشی خیالی این روزها در اینترنت طرفداران زیادی پیدا کرده‌اند. این اپلیکیشن بازی‌های فوتبال، بسکتبال، بیس‌بال و هاکی را پوشش می‌دهد و شما می‌توانید در لیگ‌های خیالی این ورزش‌ها شرکت کنید یا لیگ دلخواه خودتان را بسازید. سیستم بازی تیم خود را تعریف کنید و هر چه در بازی‌ها شرکت کنید امتیاز و عملکرد خود را ارتقا می‌دهید. شما می‌توانید به مرور در لیگ‌های حرفه‌ای نیز بازی کنید.

# قصه‌ی خوش رنگ‌ترین‌ها بخش سوم

گفت‌گوباخشی از دانشجویانی که موفق به کسب مدال طلا شدند



تیم بدمینتون

تیم بدمینتون دانشگاه اصفهان موفق به کسب مدال طلا در بخش تیمی شد. پویا کیانی کاپیتان این تیم ۵ نفره است و محمدامین صنعتی دانشجوی رشته پزشکی و سعید ایزدی و محمد امین گرشاسبی دانشجویان رشته رشته دندان پزشکی و عرفان آیتی دانشجوی رشته پرستاری، اعضای این تیم هستند. اعضای تیم بدمینتون بسیار صمیمی و همدل هستند و برای کسب این مقام تلاش زیادی کرده‌اند. می‌گویند اصفهان، تبریز، مشهد و شیراز چهار تیم برتر این مسابقات بودند و رقابت تنگاتنگی با یکدیگر داشتند. تیم اصفهان با وجود اینکه کم تجربه و کم سن و سال بود، به لطف تمرین زیادی که داشتند توانستند به این مقام دست پیدا کنند. عرفان آیتی به دلیل آسیب دیدگی شدید در مصاحبه حضور ندارد. او بهترین بازیکن تیم است ولی متأسفانه به دلیل مصدومیت مجبور به انصراف از مسابقات شده است. بچه‌ها معتقدند که سالن بهرامیان که تمرینات و مسابقاتشان در آنجا برگزار شده، در کل بهتر از سالن موحدی است.



جواد رضایور / داروسازی دانشگاه اصفهان / سه طلای دوومیدانی در رشته‌های ۱۰۰ متر و ۲۰۰ متر و ۱۰۰در ۴ متر

لحظه‌ای که مدال‌هایم را گرفتیم خیلی خیلی خوشحال شدم اما الان خیلی ناراحتم که بازی‌ها تمام شده است. بعد از عید، هفته‌های سه روز در پیست انقلاب تمرین کردیم. من هم می‌توانستم در تیم فوتبال باشم هم در تیم دوومیدانی. اگر می‌دانستم آقای کریم‌بندی مربی تیم فوتبال اصفهان است به تیم فوتبال می‌رفتم. حاضر بودم این سه مدال را نداشته‌ام ولی در تیم فوتبال باشم. یک‌جوری سر من دعوا بود. من به خاطر محبت‌های آقای فصیحی، مربی دوومیدانی‌ام به تیم دوومیدانی رفتم و روی حرف ایشان حرفی ن‌زدم. سطح مسابقات و داوری عالی بود. از فوتوفینش استفاده کردند که حتی در مسابقات کشوری مشهد هم استفاده نشد. البته روز آخر برنامه‌ها خیلی فشرده بود و اطلاع‌رسانی‌شان بد بود.



ارشاد فتاحیان / دندان پزشکی دانشگاه اصفهان / طلای دوومیدانی در رشته‌های ۱۰۰در ۴متر تیمی و نقره پرتاب نیزه

خیلی خوشحالم که مدال گرفتیم. ما در سه ماه اخیر خیلی تمرین کردیم. پیست دوومیدانی طوری بود که در گرما مجبور بودیم تمرین کنیم و آسیب‌دیدگی هم داشتیم. این ما را اذیت می‌کرد. این مدالی که گرفتیم باعث شد زحماتمان جبران شود و رو سفید شویم. از امکانات دانشگاه اصفهان خیلی راضی‌ام و از سرپرست دوومیدانی، آقای فصیحی خیلی تشکر می‌کنم. از امکانات پیست انقلاب راضی نبودم چون کافی و مناسب نبود. اولین بار است که در مسابقات المپیک شرکت می‌کنم. قول می‌دهم در المپیک بعدی طلا بگیرم. برای اینکه بتوانید هم درس بخوانید و هم ورزش کنید باید انگیزه داشته باشید. من چون رقیبی مثل جواد رضایور داشتم همیشه به ورزش تشویق می‌شدم.



میثم شریفی / بهداشت حرفه‌ای دانشگاه اردبیل / طلای دوی ۱۱۰متر با مانع

زیباترین خاطره من از این مسابقات، لحظه‌ای است که اول شدم و مربی‌ام را در آغوش گرفتم. در دور قبل رکورد دوی ۱۱۰ را شکستم. دوباره امسال هم رکورد خودم را جابجا کردم. آقای منصفی مربی من، بسیار برایم زحمت کشیدند. ایشان خودشان از قهرمانان دوومیدانی هستند. ۲۳ سال در این زمینه کار کردند و از سال ۷۳ در این المپیادها بود. دکتر پرواسی هم مدیر تربیت بدنی دانشگاه من هستند و خیلی از من حمایت کردند. پایگاه مقاومت بسیج بعثت اردبیل هم اسپانسر من بود.



حسین علی‌پور / فوریت‌های پزشکی دانشگاه البرز کرج / طلای پرتاب نیزه ورزشکار باید به علی (ع) اقتدا کند. هر کس که تلاش کند به نتیجه می‌رسد. اینجا به من خیلی خوش گذشته است. دوست دارم مدال‌م را به پدر و مادرم تقدیم کنم.



علی گودرزی / دندان پزشکی اصفهان / طلای دوومیدانی در رشته‌های ۴۰۰ متر با مانع و برنز ۴در ۴۰۰ خیلی خیلی خوشحال هستم. البته من انتظار بیشتری داشتم. می‌خواستم سه مدال بگیرم. این چند روز برای من خیلی خاطره‌ساز شد؛ مخصوصاً کنار دوست صمیمی‌ام جواد رضایور.



احمد حبیبی / ارشد ویروس‌شناسی پزشکی شیراز / طلای انفرادی تنیس روی میز / طلای دوبل تنیس روی میز / نقره تیمی تنیس روی میز به میزبانی اصفهان از صد، نمره هفتاد می‌دهم. از سطح مسابقات راضی‌ام. قبلاً در لیگ دسته یک هم به مقام اول تیمی رسیده بودیم.



محمد بخشی‌وند / علوم آزمایشگاهی تبریز / طلای بدمینتون میزبانی اصفهان و غذاها بسیار عالی بود؛ فقط نمی‌دانستیم بریان از چی درست شده است! به میزبانی اصفهان از صد، نمره هشتاد می‌دهم.



سعید باعزت / رزیدنت جراحی پلاستیک دانشگاه اصفهان / طلای تفنگ بادی انفرادی همیشه تا تیر آخر امید باید داشت. فکر کنم من رکورددار شرکت در المپیاد هستم. خیلی خوشحالم و از مسابقات و میزبانی اصفهان خیلی راضی‌ام. همه چیز عالی بود.



قهرمانان جاودان دانشگاه



## گزارش تصویری رقابت‌ها



عکاس: میرحسین حسینی

مسابقات والیبال



عکاس: علیرضا وثیق انصاری

مسابقات فوتبال



عکاس: میرحسین حسینی

مسابقات والیبال



عکاس: علیرضا وثیق انصاری

مسابقات فوتبال



عکاس: علیرضا وثیق انصاری

مراسم اختتامیه ی دوم



عکاس: علیرضا وثیق انصاری

مسابقات بسکتبال

مشغول ضبط آهنگ‌هایم هستیم و به استودیو می‌روم. برای این مسابقه هم سعی می‌کردم هرشب به تمرین بسکتبال بروم.

**بسکتبال دانشگاه علوم پزشکی قبلاً چه مقام‌هایی کسب کرده؟**

به‌جز چهار سال پیش که پنجم شد، چند سال است که مقام خوبی نیاورده است. دلیلش هم نداشتن ورزشکار قد بلند است! حداقل حضور یک ورزشکار قد بلند نیاز است که ما این را نداشته‌ایم. وگرنه تکنیک تیم ما خیلی خوب است.

**راجع به آهنگ‌هایی که تا امروز خوانده‌اید برای ما بگویید؟ چه کارهایی از شما پخش شده؟**

کاری را از من، شبکه یک ماه رمضان سال ۱۳۹۳ برای برنامه شهر باران پخش کرد به نام: آروم می‌گیرم. کارهای دیگر من در اینترنت هست و اگر نام من را در گوگل بزنید می‌توانید در سایت‌های مختلف آن‌ها را بشنوید. در اینستاگرام هم هست. تا الان هشت تا آهنگ از من پخش شده است. من چون پاپ کلاسیک کار کرده‌ام دوست دارم در این آلبوم روی سبک‌های مختلفی کار کنم. مثلاً پاپ کلاسیک بخوانم، پاپ‌راک بخوانم، پاپ‌پرازی بخوانم و ...



عکاس: میرحسین حسینی

قبول شدم، نتوانستم به آن صورت، حرفه‌ای ادامه بدهم. فقط در تیم‌های دانشگاه حضور داشتم. ولی درس و تحصیل باعث نشد که هیچگاه از ورزش جدا شوم.

**چه شد که سراغ خوانندگی و هنر رفتید؟**

من چهار سال است که آواز پاپ کلاسیک تدریس می‌کنم. در حوزه نوازندگی هم پیانو می‌زنم. خودم آهنگسازی می‌کنم و موزیک کارهای خودم را می‌سازم. ترانه‌هایم را هم خودم می‌نویسم. مهر سال ۱۳۹۳ در تالار شریعتی دانشگاه کنسرت برگزار کردم. بهمن ۱۳۹۴ هم تالار فرشیان کنسرت داشتم.

**خوانندگی را از کی شروع کردید؟**

خوانندگی را از ۱۲ سالگی شروع کردم. در ابتدا به شکل مسابقات تک‌خوانی بود که اول شدم. بعد آواز آکادمیک را نزد ماریا تقدسی و امیر جهانشاهی گذراندم. الان درگیر کارهای آلبوم هستم.

**هیچ منافاتی باهم ندارند؟ چطور برنامه‌ریزی می‌کنید؟**

اصلاً منافاتی با هم ندارند. فقط نیاز به برنامه‌ریزی دارد. اگر درست برنامه‌ریزی کنید می‌توانید در تمام این زمینه‌ها فعالیت کنید.

من هر روز ساعت ۹ می‌روم کلینیک. ظهر نهار می‌خورم و دوباره بعد از ظهر به کلینیک می‌روم. بعد از کلینیک هم

## بازیکن بلند قد لازم داریم!

مصاحبه با محمد شیخی

محمد شیخی، بسکتبالیست تیم اصفهان و فارغ‌التحصیل دندانپزشکی، در زمینه‌های دیگری هم فعالیت می‌کند و بسیار موفق است. او از نوجوانی خوانندگی می‌کرده و اکنون منتظر منتشر شدن آلبوم اولش است. در حال و هوای شلوغ المپیک با او گپی زدیم و درباره‌ی دغدغه‌های این روزهایش پرسیدیم.

**اول از همه درباره‌ی ورزش بسکتبال برای ما بگویید. از کی ورزش را شروع کردید؟**

من بسکتبال را از ده سالگی شروع کردم. در ۱۷ سالگی برای تیم صبا باتری تهران بازی کردم. بعد که دانشگاه



# کافه گردی # میدان نقش جهان # شربت خانه

## روزی روزگار

جای کافه و شربت خانه در میدان نقش جهان خالی بود. بچه‌های کافه «روزگار» آمدند و این خلأ را پر کردند. کافه‌ای که در عرض چندسال، به یکی از محبوب‌ترین شربت‌خانه‌های شهر تبدیل شد و حتی شعبه‌ی دومی در همان میدان نقش جهان به راه انداخت. فضایی کلاسیک و آرام دارد و اکثر اوقات موسیقی ملایمی در آن پخش می‌شود. جایی است برای پناه بردن. از همه‌ی شلوغی‌ها و خستگی‌های شهر. همین که روی صندلی‌های لپ‌ستاتی‌اش جای می‌گیری و اطرافت را نگاهی می‌کنی، ناخداگاه لبخندی از سر شمع می‌زنی.

اگر سری به آنجا زدید، حتما شربت «شفق» یا «جلاّب» را امتحان کنید که در این هوای گرم مردادی بسیار می‌چسبد. از میان کیک‌ها هم، کیک عسلی را سفارش دهید. از آن کیک‌های لایه‌لایه است که طعم چیزی مثل ترکیب خامه و عسل دارد و همین که در دهان می‌گذاری‌اش، آب می‌شود.



آدرس: میدان نقش جهان، جنب مسجد شیخ لطف‌الله، سرای اسپادانا، پلاک ۳۷

آن‌هاست. مثلاً در تفکیک این هفده فصل، با این عنوان‌ها روبرو می‌شویم: ورزش‌های مادر، ورزش‌های تیمی، ورزش‌های میدانی، ورزش‌های راکتدار، ورزش‌های آبی و غیره که هر کدام شامل تعداد زیادی از ورزش‌های نام آشنا و یا نا آشنا می‌شوند و اطلاعات جامعی از قبیل مشخصات، قوانین و مقررات، تاریخچه، لباس، ابزار و وسایل لازم و گاه‌شمار هر کدام از این ورزش‌ها را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. از جذابیت‌های مهم کتاب، به‌خصوص برای نوجوانان و جوانانی که قصد دارند به تازگی ورزشی را شروع کنند و می‌خواهند اطلاعات جامعی نسبت به آن پیدا کنند، تصویرسازی‌های مرتبط با هر ورزش است که با زبان طرح و تصویر، به توصیف آن ورزش و نحوه انجام آن می‌پردازد. درست مانند لغت‌نامه‌های انگلیسی به انگلیسی که با کشیدن طرح ساده‌ای از لغت، سعی در تفهیم بهتر معنای آن دارند.

[http://www.talae.ir/shop/product\\_info.php/products\\_id/118/pname](http://www.talae.ir/shop/product_info.php/products_id/118/pname)



امیرحسین رعیتی

# المپیک # تحریم بازی‌ها # انتقاد

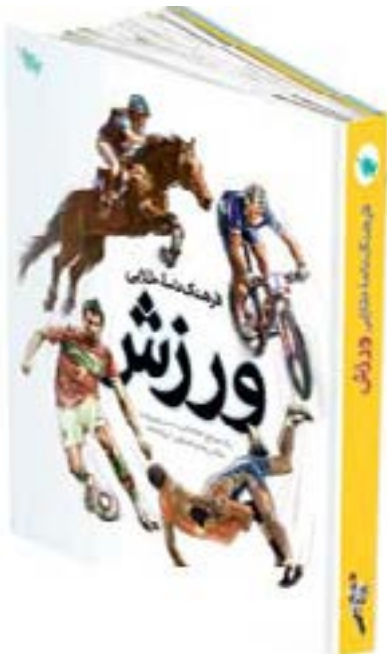
# ائتلاف برای اعتراض به المپیک



فعالان ونکوور اولین کسانی بودند که به شکل سازمان‌یافته به مخالفت با المپیک برخاستند. کمپین‌های آن‌ها در سال ۲۰۰۲ - حتی قبل از اینکه این شهر میزبانی بازی‌ها را تصاحب کند - ظاهر شدند و فعالیت خود را علیه المپیک زمستانی ۲۰۱۰ شروع کردند. در آن زمان در حالی که ونکوور سان به معترضان برچسب «تاله کنان و خرگوش‌های غرغرو» بزند و بنویسد آن‌ها نمی‌توانند «دهانشان را حتی برای یک رویداد مهم ببندند»، فعالان ضد المپیک نقدی جاندار ارائه داده بودند: «پول مالیات‌دهندگان به جای اینکه صرف فعالیت‌های اجتماعی ضروری شود، برای یک مسابقه‌ی دو هفته‌ای به هدر رفته است؛ آزادی‌های شهروندی با حجم عظیم نیروهای مسلح پلیس تهدید شده است؛ المپیک در زمین‌های در حال استفاده‌ی بومی (Coast Salish) برگزار شده است.» گروه‌هایی نظیر «نه به بازی‌های ۲۰۱۰» با ریزبینی، خطرات المپیک صنعتی را خاطر نشان کردند، و یک برنامه‌ی آموزشی عمومی و طولانی مدت برای توضیح ماهیت به ظاهر بردسبرد بازی‌ها آغاز کردند. گروه‌هایی نظیر هیچ‌کس غیر قانونی نیست، جامعه‌ی ضد فقر، جریان عدالت، گروه قدرت زنان، نه به المپیک ۲۰۱۰ بر زمین‌های بومی، وان‌اکتا و جنبش جوانان بومی از دیگر گروه‌های فعال بودند. تعداد زیادی از اعضای این گروه‌ها همچنین در شبکه‌ی مقاومت المپیک نیز فعالیت می‌کردند، که اتحادی نامتمرکز، بدون سلسله‌مراتب و ضد استبداد بود. در واقع دقیق‌تر است اگر بگوییم مقاومت ضد المپیک یک «ائتلاف برای رویداد» بود، چرا که کنش‌باوری کمتر توانسته است طی زمان و مکان‌های مختلف ثابت قدم باقی بماند. فعالان با آگاهی از این موضوع به طور هماهنگ فعالیت‌های

خود را «یک همگرایی جنبش‌ها» حول «موضوع المپیک» خوانده‌اند تا یک «جنبش اجتماعی» - اصطلاحی که می‌کوشد ناهنجاری و ناهمگنی را هموار کند و در استمرار اغراق کند. جنبش‌ها به دنبال راهی هستند که با انعطاف‌پذیری بیشتر، خودانگیختگی و همبستگی عرضی، سازمان یابند، و مقاومت ضد المپیک در ونکوور مثال برجسته‌ای از این پویایی ارائه می‌دهد. در فوریه ۲۰۰۳، یک همه‌پرسی برای سنجش حمایت مردمی از میزبانی بازی‌ها از رأی دهندگان ونکوور به عمل آمد. با وجود اینکه موافقان المپیک

طوبی سردی



مجلاتی چون دنیای ورزش، کیهان بچه‌ها، ماهنامه خبر ورزشی و تعداد زیاد دیگری از مطبوعات همکاری کرده است. در فرهنگ‌نامه طلایی ورزش او کوشیده است به تفکیک و به تفصیل، به معرفی مهم‌ترین و مطرح‌ترین ورزش‌ها در سراسر دنیا بپردازد. زارعی در مقدمه کتاب و در تعریف لغت «ورزش» چنین می‌نویسد: «ورزش از مصدر «ورزیدن» در لغت به معنای انجام دادن کاری برای عادت کردن است. این کلمه که ریشه آن در زبان پهلوی «ورزیتن» به معنای کار و کوشش کردن است، با گذشت زمان و با تغییراتی اندک وارد زبان فارسی شد. «ورزیتن» نیز به «ورزیدن» تغییر یافت.» کتاب در هفده فصل تدوین شده و فصل اول آن به معرفی تاریخچه ورزش در روزگار کهن، ایران باستان و المپیک باستان می‌پردازد و سپس مراحل شکل‌گیری ورزش‌های نوین را توضیح می‌دهد. از ویژگی‌های مهم کتاب، تقسیم‌بندی ورزش‌ها بر اساس نوع انجام دادن

## فرهنگ‌نامه ورزش

امروزه کمتر کسی است که با مفهوم فرهنگ‌نامه یا دایره‌المعارف آشنایی نداشته باشد. اگرچه بسیاری از ما، رنج ساعت‌ها جست‌وجو در فرهنگ‌نامه‌ها را به خود نمی‌دهیم و با یک سرچ ساده در گوگل، در کم‌ترین زمان، به سطح عظیمی از اطلاعات موثق و غیر موثق پیرامون سوژه مورد نظرمان می‌رسیم. اما به راستی تا چه حد می‌توان به این اطلاعاتی که در کسری از ثانیه به دست آمده‌اند، اطمینان و استناد کرد؟ استفاده از فرهنگ‌نامه‌ها و دایره‌المعارف‌های معتبر تا حدودی نگرانی ما را برطرف می‌کند. مطمئناً زمان و انرژی بیشتری صرف می‌شود، اما عمق درستی مطالب و داده‌ها هم به موازات آن بیشتر خواهد شد. «فرهنگ‌نامه طلایی ورزش» نام کتابی است که در همین راستا، در سال ۹۲، توسط نشر طلایی و به نویسندگی مهدی زارعی چاپ شده است. مهدی زارعی، پژوهشگر و تاریخ‌دان حوزه‌ی ورزش است که در طول فعالیتش با

# فرنی # شیر # شیره # خرما

# یک کاسه برف

فرنی یک مایع غلیظ سفید رنگ - به سفیدی برف - است که از شیر، آرد برنج و نشاسته تشکیل می‌شود. باید آن را مثل شله‌زرد، بگذاری توی یخچال تا سفت شود و بعد با شیره خرما، شیره انگور و یا شکر بخوری. مزه‌اش چیزی نزدیک به شیربرنج است و می‌تواند دسر یا میان‌وعده باشد. در بیشتر ماست‌بندی‌ها پیدا می‌شود اما



## از هر طرف که رفته‌ام جز عجبم نیفزود



حافظ می‌فرماید: از هر طرف که رفته‌ام جز وحشتم نیفزود. شاید بشود این مصرع را به گونه دیگری برای اصفهان به کار برد. در اصفهان از هر طرف و به هر سمتی که بروید، شگفت‌زده‌تر می‌شوید. هر چه جلوتر روید در این دریای بی‌کران بیشتر غرق می‌شوید. عبارتی که هر بازدیدکننده‌ای بعد از دیدن اصفهان می‌گوید، این است: «برای دیدن تمام جاهای اصفهان اگر یک سال هم بمانی، باز هم کم است.»

اصفهان، شهر گنبدهای فیروزه‌ای، پل‌ها، مادی‌ها، بازارها، باغ‌ها و عمارت‌های زیباست. در این ستون سعی می‌کنیم به چند مورد از این زیبایی‌ها بسنده کنیم و تاجایی که ممکن باشد آن‌ها را به شما معرفی کنیم.

راز ساعت سنگی: در ایوان غربی مسجد امام، قطعه سنگی در کنار دیوار شمالی نصب شده است که در تمام روزهای سال هنگام نیم‌روز و لحظه ظهر را بدون سایه نشان می‌دهد؛ یعنی درست زمانی که خورشید در بالاترین نقطه خود و به حالت عمود قرار دارد و بعد به سوی مغرب مایل می‌شود. در گذشته، در این هنگام مؤذن بر گلدسته‌ها می‌رفته و اذان سر می‌داده است.

راز این سنگ، تنها در نحوه تابش آفتاب نیست، بلکه در نحوه پوشاندن سنگ دیگری است که در کنار سنگ اصلی نصب شده است. این سنگ با سنگ اصلی یک دوزنقه را تشکیل می‌دهد و آفتاب بر بدنه خارجی آن مماس می‌تابد. به این سنگ، سنگ ساعت یا آفتاب‌نما می‌گویند.

کتاب سنی ملوک الارض و الانبیا پس از نام بردن از آتشکده‌های اصفهان می‌نویسد: «کی‌اردشیر در شهر اصفهان، به یک روز سه آتشکده بنیاد گذاشت. یکی را به هنگام برآمدن آفتاب در جانب «قلعه ماربین» (ماربین، مهربین یا آتشگاه امروزی) به نام آتشکده شهر اردشیر، دوم آتشکده‌ای به نام زروان اردشیر به هنگام ظهر در دارک از روستاهای خوار (برخوار فعلی) و سوم، آتشکده مهر اردشیر در روستای اردستان.»

در ابتدا بت‌خانه بوده به آتشکده تغییر داده است. عده‌ای ساخت آن را به طهمورث نسبت می‌دهند. این آتشکده از بیرون به شکل دایره و از داخل به صورت هشت ضلعی دیده می‌شود. این آتشکده از خشت و ملات ساخته شده است. می‌گویند که در اواخر سده پنجم اسماعیلیان اصفهان (معتزین به حکومت در آن زمان) به آتشگاه پناه می‌برند و در آنجا پنهان می‌شوند. حمزه اصفهانی، مورخ بزرگ در قرن چهارم هجری در

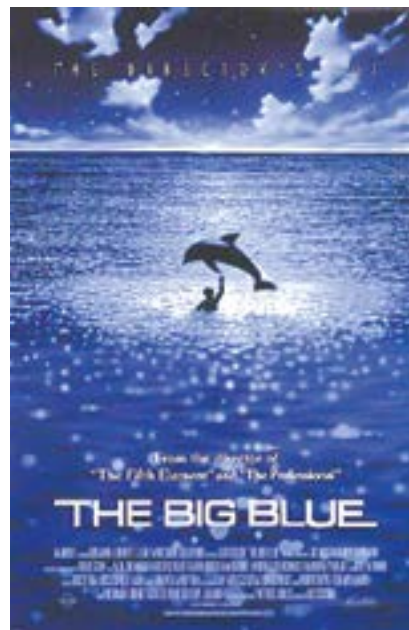
آتشگاه: در غرب اصفهان و در جاده اصفهان نجف‌آباد، درست بالاتر از منارجنبان، کوهی به نام آتشگاه وجود دارد که البته اسمش را از آتشکده‌ای که بالای آن قرار دارد گرفته است. این آتشکده از دوران ساسانیان به جای مانده است. در قدیم می‌گفتند که آتش این آتشکده ازلی است و هیچ‌گاه خاموش نمی‌شود. درباره سازنده آتشکده هم افسانه‌هایی زیادی وجود دارد؛ برای مثال می‌گویند آتشکده را بهمن فرزند افراسیاب ساخته است یا اینکه گشتاسب اینجا را که

#معرفی-فیلم-ورزشی #غواصی

امیرحسین رعیتی

## نفس عمیق

درباره‌ی  
فیلم سینمایی  
آبی بیکران (۱۹۸۸)



این فیلم به کارگردانی لوک بسون کارگردان معروف فرانسوی است که فیلم‌های «عنصر پنجم»، «دختری به نام نیکیتا» و «لئون: حرفه‌ای» را نیز در کارنامه‌ی فیلمسازی خود دارد. فیلم بازنویسی دراماتیک داستان زندگی دوستی و رقابت دو غواص آزاد ژاک مایول و انزو مولیناری (با بازی ژان رنو) را به تصویر می‌کشد. فیلم با سکانسی از کودکی این دو غواص در سواحل یونان آغاز می‌شود، سواحلی که از قرن‌ها پیش محلی برای غواصی آزاد و شکار مروارید بوده‌اند. غواصی آزاد مدت‌ها برای جستجوی صدف و مروارید رواج داشته و بعدها به عنوان ورزشی حرفه‌ای مطرح شده است. ورزشکاران بدون اکسیژن و ابزار تنفس مصنوعی به اعماق دریا می‌روند و در حالت معمول عمق و مدت زمان غواصی تعیین کننده‌ی رکورد است. پدر ژاک صیاد صدف است و در یکی از صیادهای خود با پاره شدن طناب اطمینان به اعماق دریا فرو می‌رود. فیلم در دومین بخش خود زندگی این دو شخصیت جدا افتاده را در جوانی پی می‌گیرد، ژاک به دلیل توانایی خارق‌العاده‌ی خود در غواصی تحت آزمایش‌های علمی قرار دارد و انزو که قهرمان و رکورددار غواصی آزاد است، در سیسیل به همراه برادر خود با غواصی امرار

معاش می‌کند. انزو تصمیم می‌گیرد ژاک را پیدا کند و در دوره‌ی بعدی مسابقات جهانی نشان دهد همچنان از او بهتر است. از اینجا رقابت نزدیک این دو نفر آغاز می‌شود، رقابتی که برای هر یک از این دو شخصیت معنا و شکل متفاوتی دارد.

آبی بیکران از موفق‌ترین فیلم‌های فرانسوی در گیشه و فروش بوده است، فیلم به حدی در فرانسه محبوبیت پیدا کرده بود که ژاک شیراک، رئیس جمهور فرانسه نیز در یک سخنرانی به یکی از شخصیت‌های فیلم ارجاع می‌دهد. همچنین جالب است بدانید که پایان فیلم در نسخه‌ی اصلی و نسخه‌ی پخش آمریکایی کاملاً متفاوت است!

#پارک #جنگل #تله سیز #تفریح

الهام ماهری



جایی  
میان  
ابرها  
روز پنجم؛  
پارک جنگلی ناژوان

دوست نداشتیم وقت لیلا را بگیرم یا مزاحمش باشم اما دوباره تأکید کرده بود که به تنهایی نمی‌توانم به «ناژوان» بروم. لیستی از مراکز تفریحی شهر را در هتل پیدا کرده بودم و پارک ناژوان یکی از آن‌هایی بود که در رأس قرار داشت.

لیلا گفت: «حیف که رودخانه خشک. نصف قشنگیه ناژوان به آبش بود.» و آهی کشید. با این حال قرار شد که دوتایی سری به آنجا بزنیم و حال و هوایی عوض کنیم. حول و حوش ساعت ۷ عصر به ورودی پارک ناژوان رسیدیم.

اینجا هم به شلوغی صفا است. با این تفاوت که مردم با ماشین‌هایشان، پارک را دور می‌زنند و اگر حوصله داشته باشند، جایی می‌ایستند و ساعتی کنار گل‌ها و سبزه‌ها می‌نشینند و چیزی می‌خورند. ناژوان یک پارک عادی شهری نیست؛ بلکه یک پارک جنگلی است. جایی که آدم‌های زیادی در مزارع آن سبزی و میوه می‌کارند و در کنار خیابان‌های پارک می‌فروشند. عده‌ای در دکه‌های کوچک، آش رشته و باقالا می‌فروشند و بعضی‌ها هم بساط شیر بلال راه انداخته‌اند. جاده را که جلو می‌روی، تابلوهای زیادی را می‌بینی که روی هر کدام نام مجموعه تفریحی متفاوتی حک شده است: باغ پرندگان، آکواریوم، موزه خزندگان، پارک بادی، تله‌سیژ و غیره. فقط باید یکی را انتخاب کنی و جاده را از سر بگیری. لیلا می‌گوید:

«اینم ناژوان. کجا بریم حالا؟» می‌گویم: «همه‌ش رو که همیشه رفت. تله‌سیژ چیه؟» و برایم توضیح می‌دهد که چیزی است شبیه به تله‌کابین با این تفاوت که به جای کابین، یک صندلی چهار نفره دارد. خوشم آمد. دوست داشتم امتحانش کنم آن هم در این هوای خوب و میان این همه درخت سبز. گفتم: «خوبه. همینو بریم.»

حس خوبی می‌دهد. انگار که یک نفر تو را با صندلی زیر پایت روی دستش گرفته و در میان ابرها می‌دود. از این بالا آسمان آبی‌تر است و درخت‌ها و آدم‌ها خیلی کوچک‌تر از آنچه که باید، به نظر می‌رسند. باد ملایمی توی صورتهایمان می‌خورد و خورشید از همیشه پرفروغ‌تر به نظر می‌آید. ارتفاعمان شاید ۲۰ متر باشد. درست نمی‌دانم، فقط حدس می‌زنم. لیلا دوباره تأکید می‌کند که چقدر حیف است که رودخانه آب ندارد، و گرنه از این بالا... چه منظره‌ای می‌شود! سرم را تکان می‌دهم و دوباره پایین را نگاه می‌کنم. بعضی از آدم‌ها که در جاده‌ای قدم می‌زنند، از آن پایین برایمان دست تکان می‌دهند. لیلا می‌گوید: «اسمش جاده‌ی سلامته. فقط واسه پیاده‌روی. البته دوجرخه هم داره فکر کنیم.» می‌گویم: «چه خوب. پس پیاده که شدیم، بریم یکمی هم راه بریم.» و می‌خندم.

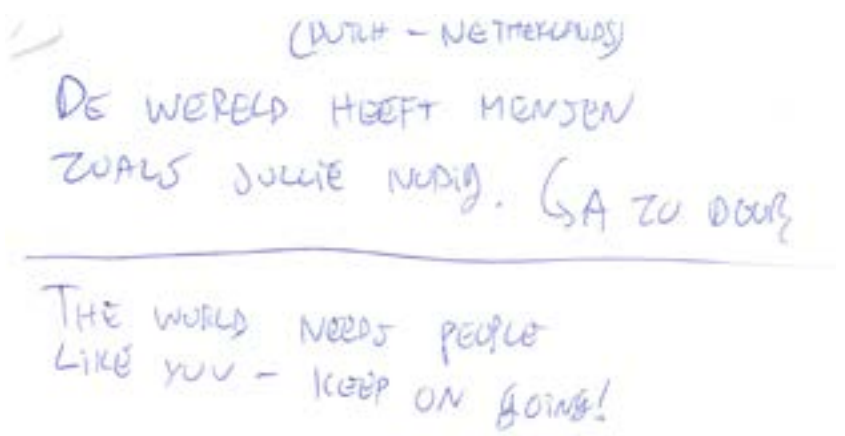




حامد مردانی

## پیام توریست ها برای المپیاد

این بزرگواران را که دیدیم رفتیم جلو و گفتیم خانم کی باشند؟! بعد به صورت یهویی یادمان آمد این دیالوگ برای عزیزان دیگرست و ما پا را از گلیم خود درازتر کرده ایم. خلاصه این که این عزیزان هلندی با این که برای رسیدن به شام عجله داشتند با کمال میل با ما همکاری کرده و سلام ویژه به شما مخاطبین عزیز رساندند. در ضمن آقایایی که پوستر ما را در دست دارند هم دانش آموخته اپیدمیولوژی بودند و کمی تا قسمتی بحث علمی و صنفی هم در گرفت:



عکس: فاطمه صفری

صاحب امتیاز: معاونت دانشجویی فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان  
 دبیر ویژه نامه: عاطفه صفری  
 طراح و صفحه آر: مهراد شیران  
 عکاسان: میرحسین حسینی، علیرضا وثیق انصاری، فاطمه صفری  
 خبرنگاران: نسیم براتی، زهرا ترکمان، مرجان پورهادی، بهاره ربیعی،  
 محمدسعید واحدی پور، فرزانه اسماعیلی، حامد مردانی،  
 افسانه دهکامه، الهام ماهری، امیرحسین ربیعی  
 چاپ آرمان / ناظر چاپ: زهرا یگانه  
 باتشکر از: دکتر شاهمزدی، دکتر سید محسن حسینی، علی محمد فزوه،  
 راضیه کریمی، سمیه تیموری، خانم نوروزی و حبیب لو و کلیه همکاران  
 معاونت دانشجویی فرهنگی  
 ایمیل: Meydan.1395@gmail.com

میدان

ویژه نامه دوازدهمین المپیاد ورزشی دانشجویان پسر علوم پزشکی کشور

## مورتال کامبت و گشتی کج، محصولی از فرایند امامیزاسیون!

GTA را هم در محله احمدآباد راه انداخت تا المپیاد هر چه پربارتر شود.

اما در همین روز اخیر و در جایی دیگر هم یک بزرگوار امامیزه شدند. امامیزه شدن عبارتی است که به ابداع بنده از این پس در معاونت دانشجویی فرهنگی علوم پزشکی اصفهان به مورد کتک واقع شدن در زمان خدمت اطلاق می شود که گمان کنم برای خودش ثوابی بس زیاد داشته باشد. خلاصه این که این عزیز هم در اتوبوس خوابگاه حضور داشته اند که به مقصد یک خوابگاه در حال حرکت بوده و جمعی از مهمانان عزیز قصد منتقل شدن به خوابگاه دیگری را داشته اند و با وجود این که اتوبوس دیگری برای انتقال عزیزان به خوابگاه مورد نظر وجود داشته (چه خوابگاه تو خوابگاهی شد!) بر انتقال به وسیله همین اتوبوس اصرار می ورزند و خلاصه فرایند امامیزاسیون آقای ذبیحی هم آغاز می شود و ایشان هم وارد نوع خاصی از واکنش کامبت گردیده و از قضای روزگار گروه دیگری از دوستان هم از راه رسیده و با افزودن کاتالیزور فرایند امامیزاسیون به سوی آغازگر واکنش برعکس می کنند و در نهایت سرتان را درد نیاورم که مشت و لگد و حرف های نه چندان خوب است که در این میان بین دوستان پخش و پلا می شود و گویا یکی از عزیزان نظر کرده در این بجنبه روح مرحوم پوریای ولی و جهان پهلوان تختی و محمدعلی کلی و جمعی دیگر از نامآوران قدیمی را در حال محو شدن در افق به چشم می بیند. دم همه ما جوان پهلوانان گرم!

خزعبلاتی تلخ درباره ی دعواهای المپیادی که هر چه نویسنده نمک می ریزد طنز نمی شود

جای بسی خوشنودی است که دوستانمان رشته های جدید را به المپیاد افزودند. از ابتدا عرض کنم افزودند فعلی نواز مصدر افزودیده و ابداع این جانب به معنای اضافه شدن می باشد. اما ماجرای افزودیده شدن این دو رشته نوستالژی قدیمی به المپیاد که با حضور بزرگانی چون یوکوزونا (SEGA) بازان قدیمی خوب با این بزرگواران آشنا هستند) برگزار شده و با این فرمان که ما پیش می رویم همچنان قرار است ادامه پیدا کند، به این شرح می باشد:

گویا در ماجرای بازدید عزیزان از آکواریم اصفهان، تعدادی از بزرگواران دچار سوء تفاهم شده و در حالی که بدون هماهنگی و به اراده خود برای ورود به مجموعه اقدام می کنند و در این حال با مسئول محترم بازدید آقای امامی مواجه می شوند که در شرف بازگشت به دانشگاه هستند و خلاصه دوستان از کوره در رفته و ضمن زدن حرف های بد بد! به آقای امامی هجوم آورده و با حرکات آبدولیاچگی نوعی از مبارزات نوین را رقم زده و خلاصه مدیران را به فکر فرو می برند که چرا بخشی از رقابت ها را به پارک نازوان و فضای باز منتقل نکردیم؟ اصلاً می شد کوهنوردی در صفا، اسکی روی بستنی در رهنان و یک شبیه سازی کوچک از بازی

آقای ایزدی نگهبان تالار شریعتی است. شیرازی است و می گوید ۲۸ سال است که توی دانشگاه کار می کند. آقای ایزدی می گوید توی این المپیاد چیزی که برایش اتفاق افتاده «خسته نشدن» است. آقای خضری نگهبان دیگر تالار می گوید: «ما به خاطر المپیاد سیستم ۲۴ ساعت کار و ۴۸ ساعت استراحتمان برعکس شده اما شور و شوقی که المپیاد دارد، تنهایی های ما نگهبانان را کمتر کرده است.»

